

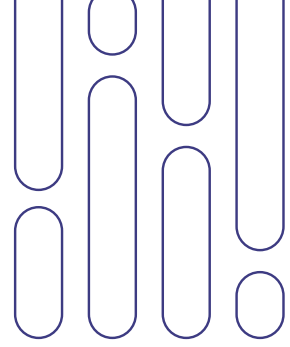
گزارش وضعیت

آغاز مجدد درگیریهای مسلحانه آذربایجان و ارمنستان و محاسبات ایران

31 می 2023



RASANAH
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- اول: دلایل واقعی تکرار درگیریهای مسلحانه میان دو طرف 4
- دوم: ایران و مسأله مناقشه آذربایجان و ارمنستان 8
- سوم: اهداف ایران از حمایت‌های بی دریغ از ارمنستان 12
- چهارم: چالش‌های فراروی افزایش حضور ایران در جنوب قفقاز 14
- برآیند 15

دو کشور همسایه و عضو پیشین اتحادیه جماهیر شوروی در منطقه قفقاز یعنی آذربایجان و ارمنستان که بیش از یک قرن بر سر اقلیم ناگورنو قره باغ با اکثریت ارمنی مسیحی مناقشه دارند، در سال 2020 میلادی یک توافقنامه صلح امضا کردند. اما این توافق نتوانست جلوی از سرگیری دوباره درگیریهای مسلحانه را بگیرد. در دومین تنش به وجود آمده بعد از امضای توافقنامه صلح، طرفین در 12 آوریل 2023 میلادی اعلام کردند که در تبادل آتش تعداد **هفت تن از سربازان طرفین کشته شده اند**. پیش از این و در جریان کشته شدن یکی از اعضای پارلمان آذربایجان که در نزدیکی خانه اش در باکو هدف گلوله قرار گرفت، روابط دو کشور شدیداً تنش آلود شد؛ زیرا رسانه های آذربایجان در این ماجرا **انگشت اتهام را به سوی ایران** نشانه رفتند.

طرفهای منطقه ای و بین المللی که جنگ میان باکو و ایروان را به نفع می بینند، نقش برجسته ای در شعله ور ساختن آتش جنگ و پیچیده تر ساختن روندهای آن دارند. و بی تردید، ایران یکی از این طرفها است و ارمنستان را که اکثریت مردم آن مسیحی هستند در مقابل آذربایجان که اکثریت مردم آن شیعه مذهب هستند، مورد حمایت قرار می دهد. گفتنی است ترکیه که قدرتمندترین رقیب ایران در قفقاز است، به خاطر مسائل ژئوپلیتیک، امنیتی و اقتصادی از کشور آذربایجان حمایت می کند. همچنین ایران از موضع دولت، ملت و ساکنان اقلیم قره باغ که ارمنی های جدایی طلب هستند، طرفداری می کند.

همزمان با از سرگیری درگیریها میان باکو و ایروان و تنها چند روز بعد از اینکه باکو در پی تنش دیپلماتیک با تهران، سفارت خود را در تل آویو افتتاح کرد، آذربایجان 4 دیپلمات ایرانی را به اتهام طرح ریزی فعالیت های کودتا گرانه از این کشور اخراج کرد. علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در 12 آوریل 2023 میلادی با آرمن گریگوریان همتای ارمنی خود دیدار و تأکید کرد که کشورش با هرگونه تغییری در مرزهای منطقه جنوب قفقاز مخالف است. وی همچنین اظهار داشت که تهران نگران است که مبادا دالان

زنگزور که باکو در صدد اجرای آن است، مرزهای زمینی ایران با ارمنستان را قطع کند.

تحوالات روند درگیری میان باکو و ایروان از یک سو، و تنش روابط میان تهران و باکو از سویی دیگر، سؤالات چندی را مطرح می کند از جمله: علی رغم اینکه دو کشور آذربایجان و ارمنستان برای پایان دادن به درگیریها چندین توافقنامه امضا کرده اند، چرا با کوچکترین بهانه ای بی درنگ درگیریها میان دو کشور شعله ور می شود؟ ماهیت روابط میان تهران و ایروان و اختلاف تهران و باکو چیست؟ ایران در شرایط کنونی که برای احیای روابط دیپلماتیک و کاهش تنشهای منطقه ای با عربستان به توافق رسیده است، از ادامه حمایت از ارمنستان چه اهدافی را دنبال می کند؟ در صورتیکه ایران بخواهد برای تقویت نفوذ و ابزارهای فشار خود در منطقه حیاتی قفقاز، در مرحله پیش رو توجه به این منطقه را در اولویت خود قرار دهد، با چه چالشهایی روبرو خواهد شد؟

اول: دلایل واقعی تکرار درگیریهای مسلحانه میان دو طرف

مناقشه بر سر اقلیم قره باغ بیش از یک قرن سابقه دارد. علی رغم امضای چندین توافقنامه میان طرفین درگیری اما همواره شاهد شروع مجدد درگیریها بوده ایم به گونه ای که هم اینک نگرانیهایی در مورد شعله ور شدن آتش جنگ سوم میان طرفین مطرح است. گفتنی است پیش از این، یک بار در سال 1992 میلادی و بار دیگر در سال 2020 میلادی جنگهایی میان طرفین در گرفته است که علاوه بر هزاران کشته و زخمی به آوارگی انسانهای زیادی منجر شده است. از این رو، بر آنیم تا مهمترین عواملی که به تکرار درگیریهای میان باکو و ایروان منجر می شود را مورد بررسی قرار دهیم:

یک. تمسک طرفین درگیری به قاعده بازی با حاصل جمع صفر: به گواهی تاریخ، دو طرف درگیری همواره از چندین دهه بدینسو به اصل بازی با حاصل جمع صفر چنگ زده اند. علاوه بر اختلافات نژادی، دینی و سیاسی هیچکدام از طرفین قصد ندارند از موضع خود مبنی بر کنترل بر اقلیم ناگورنو قره باغ کوتاه بیایند. از این رو، علی رغم گذشت زمان و تغییر شرایط داخلی، منطقه

ای و بین المللی اما این درگیریها هر از گاهی مجدداً آغاز شده و ادامه می یابد. و از آنجا که هر کدام از طرفین به گزینه جنگ بی نتیجه توسل جسته اند، گاهی این رویارویی به درگیریهای ویرانگر بدل می شود. وانگهی، اکثریت ساکنان اقلیم ناگورنو قره باغ که ارمنی هستند، مخالف پیوستن این اقلیم به جمهوری آذربایجان هستند.

نقشه شماره (1):

این نقشه موقعیت جغرافیایی اقلیم قره باغ را نشان می دهد



منبع: <https://bit.ly/3GTjZvq>

دو. توافقات صلح میان آذربایجان و ارمنستان که مورد رضایت نبوده است: همه توافقاتنامه های صلحی که طرفین درگیری در طول سالیان درگیری با یکدیگر امضا کرده اند از جمله توافق قره باغ سال 2020 میلادی، نتوانسته رضایت طرفین یا یکی از طرفهای درگیری و یا طرفهایی که به طور غیر مستقیم در درگیری نقش دارند را بر آورده کند. به همین سبب برخلاف توافقات رضایت بخشی که در اکثر موارد بین المللی پایداری طولانی مدتی دارد، این توافقات پایداری چندانی ندارد و بعد از مدتی درگیریها مجدداً آغاز می شود.

می توان گفت که همه توافقنامه ها میان طرفین از پایداری چندانی برخوردار نیستند و طولی نمی کشد که طرفین یا یکی از طرفین توافق به دست آمده را نقض می کند. از آنجا که توافقنامه ها بیشتر حاصل قدرت و نفوذ یک طرف است، طرف بازنده در کمین فرصت است تا برای تصحیح وضعیت و جبران زیانی که به ناچار به آن تن داده است، دست به اقدامی بزند. به همین سبب این منطقه، یک کانون التهاب است که امکان شعله ور شدن دوباره جنگ در آن همواره وجود دارد. به عنوان مثال، توافق قره باغ 2020 میلادی، نتوانست رضایت ارمنستان را جلب کند؛ همانطور که در توافق آتش بس 1994 میلادی رضایت آذربایجان جلب نشده بود. از این رو، این دو توافق دوام چندانی نداشتند و با بروز درگیریها نقض شدند.

علاوه بر نارضایتی ارمنستان، نارضایتی ملت ارمنستان و ارمنی های جدایی طلبی که در اقلیم ناگورنو قره باغ ساکن هستند، مزید بر علت شده است. جدایی طلبان بر این باورند که آنها که از سال 1994 میلادی این اقلیم را در اختیار داشتند، در تعیین سرنوشت این اقلیم حق دارند و توافق اخیر ارمنستان را وادار کرده است که از بخشهای وسیعی از این اقلیم صرف نظر کند. تقریباً از سه سال قبل که توافقنامه صلح میان دو کشور به امضا رسید، خشم و نارضایتی در میان ملت ارمنستان در مورد برخی بندهای این توافقنامه بالا گرفته است؛ زیرا مردم ارمنستان بر این باورند که طبق این توافقنامه امتیازات فراوان و فراتر از آنچه حق آذربایجان است، به این کشور داده شده است و این نوعی ذلت برای ارمنستان است.

سه. توافقنامه های صلح میان طرفین نقاط ضعف زیادی دارند: نه تنها توافقنامه قره باغ که در سال 2020 میلادی میان طرفین به امضا رسید بلکه اکثر توافقنامه های قبلی نیز رخنه های زیادی داشتند و همین امر زمینه های شعله ور شدن مجدد آتش جنگ را همواره فراهم ساخته است. به عنوان مثال، علی رغم اینکه توافقنامه صلح 2020 میلادی، ارمنستان را ملزم ساخت که از استانهای آذربایجانی مجاور قره باغ که در کنترل خود داشت، عقب نشینی کند، اما این توافقنامه هیچ الگوی مشخصی برای حل و فصل نهایی سرنوشت اقلیم قره باغ ارائه نداده است. گفتنی است سازمان ملل

تابعیت این اقلیم به خاک آذربایجان را به رسمیت شناخته است، اما فعلا در کنترل ارمنی های جدایی طلب است. و این ابهام در توافقنامه مهمترین رخنه ای است که همواره زمینه برافروختن شعله های جنگ را مهیا می کند. و آغاز درگیری بعد از توافق قره باغ 2020 میلادی، بهترین گواه این مدعا است. همچنین در این توافق، پیشنهادی مطرح شده است که به پیچیده تر شدن مسائل میان طرفین دامن می زند و آن پیشنهاد دالان زنگزور و یا دالان نخجوان است که قرار است ارتباط آذربایجان و اقلیم نخجوان را تأمین کند. نخجوان یک جمهوری خودمختار اما بخشی از خاک آذربایجان است که از لحاظ جغرافیایی در خاک ارمنستان و در منطقه زنگزور واقع شده است. ارمنستان و ایران به خاطر مسائل اقتصادی، تجاری، ژئوپلیتیک، و امنیتی با ایجاد این دالان مخالف هستند. زیرا این دالان علاوه بر اینکه هرگونه راه ارتباط زمینی میان ایران و ارمنستان را قطع می کند، به ترکیه که همپیمان راهبردی آذربایجان است این امکان را فراهم می کند تا خود را از لحاظ جغرافیایی به اروپا متصل کند، و این مسأله ای است که با منافع ارمنستان در تضاد است.

نقشه (1): این نقشه موقعیت دالان زنگزور و یا نخجوان را نشان می دهد



منبع: <https://bit.ly/3Ldsfcy>

چهار محاسبات طرفهای منطقه ای و بین المللی در این مناقشه: محاسبات طرفهای منطقه ای و بین المللی نقش برجسته ای در تعیین روندهای این درگیری دارد و به پیچیده تر شدن اوضاع، شعله ور شدن مجدد و طولانی

شدن جنگ می انجامد. این طرفها مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه، ایران، ترکیه و اسرائیل با توجه به مسائل عملگرایی، ژئوپلیتیک، راهبردی، امنیتی، اقتصادی و تجاری زیادی که در منطقه قفقاز دارند، بخش اعظم روند درگیری میان باکو و ایروان را در کنترل خود دارند. این طرفها با یکدیگر تضاد منافع دارند؛ از این رو، محاسبات هر کدام از آنها با دیگری در قفقاز و مخصوصا در قبال دو طرف درگیری متفاوت است. و هر کدام از این طرفهای منطقه ای و بین المللی در راستای منافع خود و به عنوان اهرم چانه زنی در زمان مناسبی یکی از طرفهای درگیری را در برابر دیگری مورد حمایت قرار می دهد و در این میان منافع طرفین درگیری به هیچ عنوان لحاظ نمی شود. زیرا طرفهای منطقه ای و یا بین المللی هرگاه احساس کنند که منافع آنان ممکن است در زمان کنونی و یا در آینده در معرض تهدید قرار گیرد، صرفا برای حفظ منافع خود و یا برای ضربه زدن به منافع طرفهای رقیب، برای ادامه جنگ تلاش می کنند. از این رو، می توان گفت که محاسبات طرفهای خارجی و مخصوصا طرفهایی که از توافق قره باغ 2020 میلادی دل خوشی ندارند، از مهمترین علل آغاز مجدد درگیری میان باکو و ایروان است.

دوم: ایران و مسأله مناقشه آذربایجان و ارمنستان

ایران هرگونه آغاز مجدد درگیریهای مسلحانه میان آذربایجان و ارمنستان را با نگرانی دنبال می کند؛ زیرا از یک سو، موقعیت جغرافیایی این دو کشور امتداد ژئوپلیتیک ایران در منطقه «اوراسیای مرکزی» یعنی آسیای میانه و قفقاز به شمار می رود و از سویی دیگر، این مناقشه با توجه به رابطه خوب ایران با ارمنستان و رابطه تنش آلودش با آذربایجان چالشها و فرصتهایی را فراروی ایران قرار می دهد. گفتنی است رابطه و ائتلاف آذربایجان با اروپا و آمریکا و نیز اسرائیل که دشمن سرسخت ایران است و همچنین الگوی حکمرانی آذربایجان که رابطه خوبی با غرب دارد و تهدیدی برای نظام تندرو ایران به شمار می رود، از جمله علل تیرگی روابط ایران با آذربایجان است.

یک. ایران و مسأله همکاری با ارمنستان

عوامل داخلی و بین‌المللی تقریباً ثابتی بر روند روابط ایران و ارمنستان حکمفرماست که در اینجا به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

الف. درک این واقعیت که هر کدام از آنها، به دیگری نیاز راهبردی متقابل دارند: از نگاه ایران، آذربایجان همواره منافع راهبردی این کشور را در یک منطقه حیاتی جهان تهدید می‌کند، این در حالیست که ایران به ارمنستان به چشم دروازه همکاری راهبردی شمالی می‌نگرد. زیرا این کشور، بازار مصرف محصولات و کالاهای ایرانی و مخصوصاً کالاهای نفتی و نیز ابزاری برای مقابله با نفوذ رو به افزایش ترکیه در قفقاز است و ایران می‌تواند با استفاده از ارمنستان، همواره آذربایجان را تحت فشار قرار دهد تا این کشور فرصت پرداختن به ایران و اوضاع اقلیت ترکان آذری را نداشته باشد.

ب. مقابله با رویکردهای باکو در قبال تل‌آویو و آنکارا: مقابله با آذربایجان هدف مشترک تهران و ایروان است. تهران نیز همچون ارمنستان مخالف آن است که ترکیه و اسرائیل از باکو جانبداری کنند. از این رو، ایران تلاش می‌کند با ائتلاف نزدیک با ایروان، به مقابله با آذربایجان، ترکیه و اسرائیل بپردازد و نگذارد که باکوری روابط خود را با ترکیه و اسرائیل گسترش دهد. نظر به اختلاف دیرینه و تنش ژئوراهبردی که ارمنستان با آذربایجان و ترکیه دارد، ایروان گزینه‌های محدودی در اختیار دارد به گونه‌ای که ناچار است برای تضعیف آذربایجان و ممانعت از برتری این کشور، همکاریهای خود با ایران را تقویت نماید.

ج. همکاری تهران و ایروان در چارچوب اتحادیه ارواسیا: ایران با اتحادیه اوراسیا که پنج کشور از جمله ارمنستان را در جمع خود دارد، تفاهمنامه تجاری امضا کرده است که به موجب آن، 860 کالا میان ایران و کشورهای این اتحادیه مبادله می‌شود. همچنین ایران گفتگوها را برای تجارت آزاد با این اتحادیه آغاز کرده است. پنج کشور روسیه، قزاقستان، بلاروس، قرقیزستان و ارمنستان از سال 2015 میلادی اعضای اصلی این اتحادیه بوده‌اند و ارمنستان به عنوان عضو کامل این اتحادیه ریزنیها را برای پیوستن ایران به آن بر عهده داشته است.

د. منافع اقتصادی احتمالی میان دو کشور: بر اساس اهداف بلند مدت ایران و نیز رقابت این کشور با نفوذ اقتصادی ترکیه در آسیای میانه که از طریق نزدیکی با آذربایجان محقق می شود، ارمنستان که مهمترین دالان تجاری و انتقال خطوط انرژی به شمال محسوب می شود برای آینده ایران از اهمیت ژئو اقتصادی برخوردار است. بر اساس داده های بانک جهانی، مجموع مبادلات تجاری میان ایران و ارمنستان از 400 میلیون دلار در سال 2020 میلادی به 700 میلیون دلار در سال 2023 میلادی افزایش یافته است. اما با این همه، این میزان مبادلات هنوز هم کم است و به نفع ایران در حال افزایش است. ارمنستان از جمله کشورهایی است که مواد غذایی و انرژی مخصوصا گاز طبیعی را از خارج وارد می کند و در مقابل، کالاهایی چون فلزات، طلا، الماس و تنباکورا صادر می کند و گاز ترکمنستان را از طریق خاک ایران وارد می کند. در سال 2020 میلادی واردات ارمنستان از ایران 6,6 درصد کل واردات این کشور را به خود اختصاص داد. این در حالیست که ارمنستان 33 درصد واردات خود را از روسیه، 17 درصد را از اتحادیه اروپا تأمین کرده است. اما در سال 2022 میلادی واردات این کشور از ایران به میزان 9 درصد افزایش یافت یعنی بازارهای این کشور استقبال بیشتری از کالاهای ایرانی نشان داد. در عین حال، صادرات ارمنستان به ایران در سال 2019 میلادی از 2,5 درصد کل صادرات این کشور به خارج فراتر نرفت. این میزان در سال 2022 میلادی به 2 درصد کاهش یافت.

دو. ایران و مسائل اختلافی با آذربایجان:

بر خلاف روابط دوستانه و رو به رشد ایران با ارمنستان، اما روابط این کشور با همسایه اش آذربایجان همواره رو به تیرگی می گراید. و علی رغم وجود نقاط مشترکی که می تواند بهانه ای برای آشتی و سازگاری باشد، اما پیشینه اختلافات میان دو کشور به تنش زایی منجر شده به گونه ای که احتمال درگیری میان طرفین نیز تقویت شده است. در اینجا به مهمترین عوامل تنش زایی در روابط میان ایران و آذربایجان اشاره خواهیم کرد:

الف. مسائل ملتهای آذری زبان در داخل ایران: داشتن مرزهای جغرافیایی مشترک به طول 700 کیلومتر و همچنین وجود اقلیت آذری زبان در داخل

ایران، از مهمترین عواملی است که روند روابط میان تهران و باکو را تحت تأثیر قرار می دهد. افزایش گرایشات قومی آذری زبانان ایران و نگاه آنان به آذربایجان با الگوی موفق سکولاریسم ملی گرا که با الگوی تندروانه ایران در تضاد است، موجبات نگرانی ایران را فراهم ساخته است. چرا که موفقیت نظام سکولار که تهران نسبت به تأثیر بالقوه آنان بر نظام ولایت فقیه نگران است، می تواند نه تنها تمایل آذری زبانان بلکه تمایل تمام مردم ایران را به عنوان یک الگوی موفق به خود جلب کند.

تنشهای داخلی در ایران که در ماههای اخیر و با شعله ور شدن اعتراضات گسترده مردمی در پی کشته شدن مهسا امینی بر شدت و دامنه آن افزوده شد، و انتقاد دولت آذربایجان به سرکوب مردم آذری زیان توسط حکومت ایران، همچنین افزایش حرف و حدیثها در مورد بالا گرفتن تمایل به جدایی استان آذربایجان از خاک ایران و پیوستن به کشور آذربایجان، همه اینها مهمترین و خطرناکترین بحرانی است که ترکیب نظام سیاسی ایران را که جوامع و اقلیت های قومی زیادی را در جغرافیای خود دارد، به مخاطره می اندازد.

ب. روابط آذربایجان با جهان خارج: از جمله عوامل تنش در روابط ایران و آذربایجان، گسترش روابط باکو با تل آویو در سالیهای اخیر است. ایران تل آویو را متهم می کند که در تلاش است جای پای در مناطق مرزی ایران با آذربایجان برای خود باز کند. ایران همواره نگران آن است که اسرائیل بر سیاست آذربایجان در قبال ایران تأثیر بگذارد. تهران همواره باکو را از پناه بردن به تل آویو بر حذر داشته است. اما بعد از [سفر بینی گانتس](#) وزیر دفاع اسرائیل به آذربایجان در اکتبر 2022 میلادی و [امضای چندین تفاهمنامه نظامی و امنیتی](#)، و همچنین سفر جیحون بایراموف به تل آویو و افتتاح سفارت در تل آویو، ایران در مقابل آذربایجان به ادبیات تهدید آمیزتری روی آورده است. [باکو با تعیین اولین سفیر خود در اسرائیل](#)، سیاست چندین دهه خود را در قبال اسرائیل مبنی بر عدم وجود نمایندگی سیاسی در این کشور، تغییر داد. ایران این موضع آذربایجان را تهدیدی برای امنیت ملی خود می داند که نمی توان نسبت به آن بی تفاوت بود.

همچنین، ایران از رابطه نزدیک با کو با ترکیه که برای ایجاد منظومه منافع از قفقاز تا آسیای میانه تلاش می کند، و همچنین از نقش ترکیه در مناقشه میان باکو و ایروان که تقسیمات ژئوپلیتیک منطقه را دگرگون می سازد، نگران است. این تهدیدات در کنار تهدیدهای اسرائیل، تهران را در برابر بحران واقعی و پیچیده ای قرار می دهد؛ زیرا تهران نگران است که مبادا در این شرایط که در عراق، سوریه، افغانستان و پاکستان درگیر بحران است، این منطقه نیز در راستای سیاست انزوا، محاصره و تحریمهای اقتصادی که از هر طرف ایران را احاطه کرده است، به عنوان اهرم فشاری علیه این کشور مورد استفاده قرار گیرد.

سوم: اهداف ایران از حمایت‌های بی دریغ از ارمنستان

علی رغم اینکه ایران با کشور آذربایجان مسائل مشترک قومی، مذهبی و فرهنگی دارد، اما این کشور در طول سالیان گذشته همواره از ارمنستان که اکثریت مردم آن مسیحی هستند، طرفداری کرده است. این رابطه پارادوکسیکال که با ذهنیت ایران همخوانی ندارد، بهترین مثالی است که می تواند اصلی به نام منافع ایران را برایمان توضیح دهد. جا دارد که در اینجا به مهمترین محاسبات ایران در مورد حمایت از ایروان اشاره نماییم:

یک. محاسبات امنیتی: آنچه ایران را به حمایت از ارمنستان سوق داده، همانا مسائل و محاسبات امنیتی است. زیرا آذربایجان با داشتن یک نظام سکولار ملی گرا و موفق می تواند نه تنها برای آذری زبانان شیعه مذهب ایران که در شمال ایران زندگی می کنند و 16 تا 20 درصد جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده اند، بلکه برای همه شیعیان ایران به عنوان یک الگو مطرح گردد. گفتنی است که جمعیت آذری زبانان ایران از جمعیت کل کشور آذربایجان نیز بیشتر است. از این رو، ایران همواره نگران است که مبادا آذری زبانان قومیت گرای ایران مطالبات خود مبنی بر داشتن حق خود مختاری را بار دیگر مطرح کنند. در نتیجه، با حمایت از ارمنستان در مقابل آذربایجان مانع از ارتباط آذری زبانان ایران با کشور آذربایجان می شود تا مبادا انگیزه ها و رویکردهای استقلال طلبی در میان آنان بار دیگر جان بگیرد. پیش از این،

ترکان آذری ایران در سال 1945 میلادی و با حمایت اتحادیه جماهیر شوروی اعلام استقلال کردند و تبریز را به عنوان پایتخت خود معرفی کرده بودند. اما ارتش به شدت با این حرکت برخورد کرده آن را خنثی کرد. و به خاطر دشمنی میان دو کشور، ایران همواره نگران این امر است که در آینده از خاک آذربایجان برای حمله زمینی و یا هوایی علیه این کشور استفاده شود. از این رو، به نفع ایران است که مناطق مورد مناقشه در کنترل ارمنستان باقی بماند.

دو. محاسبات اقتصادی: ایران از لحاظ اقتصادی روابط تنگاتنگی با ارمنستان دارد. ارمنستان از بزرگترین وارد کنندگان انرژی و مخصوصا نفت و گاز طبیعی از ایران است. علاوه بر آن، دو کشور چارچوب همکاری فیما بین را گسترش داده اند تا بخشهای دیگری همچون صنایع فولاد، دارو، معادن و صنایع پتروشیمی را نیز در برگیرد.

سه. محاسبات ایدئولوژیک: از نگاه ایران، ارمنستان یک همپیمان کاملا بی ضرر برای ایران است؛ زیرا از سویی این کشور مسیحی هیچ خطری نه از نظر الگوی نظام حکومتی و نه از لحاظ اختلاف دیرینه سنی - شیعی متوجه ایران نیست. در نتیجه، ایرانیها نه تنها خطری از سوی ارمنستان احساس نمی کنند بلکه آن را به عنوان همپیمانی می دانند که می توانند از طریق آن، آذربایجان شیعی سکولار و ترکیه سنی سکولار را تحت فشار قرار دهند.

ایرانیها کشور خود را ام القرای اسلام شیعی دانسته و بر این باورند که تمام شیعیان در داخل و خارج از ایران باید تحت امر ولایت فقیه باشند. در نتیجه، اینکه آذربایجان از دایره هژمونی ولایت فقیه بیرون باشد، برای نخبگان ایرانی امری بسیار گران است. از این رو، تهران و ایروان وارد یک ائتلاف راهبردی شده و بر باکو فشار می آورند تا بدین سان در مقابل سیاستهای آذربایجان که ایران را نادیده می گیرد، پاسخ داده باشند.

چهار. محاسبات عملگرایانه: طبق نظریه ولایت فقیه، رهبر می تواند در تعامل با جهان خارج و در صورتی که منافع شیعیان اقتضا کند، نرمش زیادی به خرج دهد حتی اگر این نرمش با اصول مذهب شیعه در تضاد باشد. مثلا، ولی فقیه اگر چنانچه به این نتیجه برسد که حج، زکات و یا نماز در مقطعی

از زمان، منافع مذهب شیعه را تهدید می کند، می تواند آن را موقتا به حالت تعلیق در آورد. وبی تردید، این رویکرد عملگرایانه بر مسأله روابط بین الملل نیز صدق می کند. اینجاست که راز رابطه راهبردی ایران شیعه با ارمنستان مسیحی مشخص می شود که چرا ایران رابطه با ارمنستان مسیحی را بر رابطه با برادران شیعه خود در آذربایجان ترجیح می دهد.

چهارم: چالشهای فراروی افزایش حضور ایران در جنوب قفقاز

علی رغم اینکه ایران انگیزه های زیادی برای تقویت حضور خود در منطقه قفقاز دارد اما حضور ایران در قفقاز و مخصوصا در آذربایجان با مشکلات و چالشهایی روبرو است که در اینجا به آنها می پردازیم:

یک. رویکردهای آذربایجان در قبال ایران: علی رغم اینکه هر دو کشور مسلمان و شیعه مذهب هستند و با یکدیگر مرزهای جغرافیایی مشترکی نیز دارند، اما از لحاظ ماهیت نظام و رویکردهای خود کاملا با یکدیگر در تضاد هستند. برخلاف ایران که یک کشور دینی و مذهبی است، آذربایجان یک کشور سکولار است و ملی گرا است و به قومیت ترکی خود اهمیت می دهد و علاوه بر اینکه به ترکیه گرایش دارد، با جهان غرب یعنی اروپا و آمریکا گشایش نشان می دهد و با اکثر کشورهای غربی روابط محکمی دارد. این در حالیست که از نگاه ایران کشورهای غربی مستقیما منافع ایران را تهدید می کنند. همچنین همبستگی میان آذربایجان و آذری زبانان ایران یکی دیگر از چالشهای ایران است؛ به ویژه اینکه در این شرایط سخت اقتصادی ایران، آذری زبانان ایران به الگوی موفق آذربایجان تمایل نشان می دهند. علاوه بر آن، با کورقیب راهبردی ایران در بازارهای نفت جهانی به شمار می رود.

دو. خطرهای ناشی از حضور اسرائیل در آذربایجان: افزایش حضور اسرائیل در آذربایجان چالشی است که مستقیما امنیت ایران را تهدید می کند. از نگاه ایران، حضور اسرائیل در مناطق مرزی آذربایجان و ایران یک چالش امنیتی است و نشان می دهد که اسرائیل در تلاش است با استفاده از روابط با کشورهای که با ایران مرز مشترکی دارند، ایران را از هر سو به محاصره در آورد؛ به ویژه اینکه اسرائیل اصلی ترین عاملی است که نفوذ منطقه ای ایران

را تهدید می کند و تلاش دارد برای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته ای و یا برای مقابله با توانمندیهای موشکهای بالستیک ایران، کشورهای جهان را علیه این کشور بسیج کند. اسرائیل از زمان جنگ قره باغ 2020 میلادی، در راستای به محاصره در آوردن ایران، حضور خود را در آذربایجان تقویت کرده است. همچنین، اسرائیل در جنگ اخیر میان باکو و ایروان، کمکهای شایانی به باکو کرد.

سه. خطرهای ناشی از افزایش حوزه نفوذ ترکیه در قفقاز: افزایش حوزه نفوذ ترکیه در آذربایجان از دو جنبه برای ایران یک چالش محسوب می شود. جنبه اول، ایران نگران است که آذربایجان و ترکیه با حمایت از گرایشات جدایی طلبانه آذری زبانان ایران به این مشکل دامن بزنند و جنبه دوم، نگرانی ایران از افزایش حضور ترکیه در منطقه قفقاز است. با توجه به همین دو مسأله، تقویت نفوذ ترکیه که رقیب منطقه ای ایران است، منافع ایران را تهدید می کند. علاوه بر آن، روابط قومی میان ترکیه و آذربایجان به مراتب از روابط مذهبی ایران با آذربایجان ملی گرا قوی تر است و این امر می طلبد که ایران برای تغییر رفتار آذربایجان باید در گفتمان خود با این کشور تجدید نظر کند. مسأله دیگری که علاوه بر محدود کردن نقش ایران در منطقه قفقاز، نفوذ ترکیه در این منطقه را تقویت می کند همان دالان زنگزور است (البته اگر آذربایجان به ایجاد این دالان اقدام کند). با احداث این دالان، ایران بسیاری از امتیازات پیشین خود را از دست می دهد. ایران پیش از این، عوارض گمرکی زیادی از کامیونهای ترکیه که به مقصد ترکمنستان و آذربایجان حرکت کردند، دریافت می کرد. اما با این همه، بزرگترین ضربه به منافع ایران در منطقه قفقاز زمانی وارد می شود که در دالان زنگزور یک خط آهن با عبور از ارمنستان ترکیه را به آذربایجان وصل کند. این امر می تواند به افزایش نفوذ ترکیه در جنوب قفقاز و در مقابل، کاهش نفوذ ایران در منطقه منجر شود.

برآیند

با توجه به آنچه بیان شد، تحولاتی که در مرزهای شمالی ایران در جریان است، برای این کشور از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا این تحولات از یک

طرف برای ایران در دسر ساز است و از طرف دیگر، فرصتهایی را در اختیار ایران قرار می دهد که اگر به درستی از آنها استفاده کند می تواند نفوذ خود را در جنوب قفقاز تقویت کند؛ زیرا بازیگران بین المللی مانند ایالات متحده، روسیه و چین که در آسیای میانه و قفقاز تأثیرگذاری بیشتری دارند، اکنون به جای توجه به این منطقه حیاتی که به باور بسیاری از صاحب نظران یک منطقه تنش احتمالی خواهد بود، در جنگ اوکراین و نیز رقابت بر سر رهبری جهان سرگرم هستند. ایران نسبت به افزایش نقش اسرائیل و ترکیه در آذربایجان و پیامدهای احتمالی آن بر طرحهای بلندپروازانه خود در این منطقه به خوبی آگاه است. از سویی دیگر، ایران نیز در غیاب قدرتهای بین المللی در منطقه فرصتهایی در اختیار دارد تا نفوذ خود را در جنوب قفقاز تقویت نموده و شانس خود را در رقابت با نقش رو به رشد اسرائیل و ترکیه بالا ببرد. ایران از رهگذر امضای توافق احیای روابط دیپلماتیک با عربستان سعودی و کاهش تنشهای منطقه ای در خاورمیانه دستاوردهایی کسب خواهد کرد، در نتیجه می توان گفت که بار بزرگی از دوش ایران در خاورمیانه برداشته شده است. و اکنون با آسایش خاطر می تواند تلاشهای خود را برای نقش آفرینی بیشتر به منطقه آسیای میانه و قفقاز معطوف سازد. از این رو، احتمال می رود که در دوره پیش رو و تا زمانیکه تحولات دیگری اولویتهای ایران را تغییر ندهد، این منطقه (یعنی منطقه قفقاز و آسیای میانه) اولویت ایران باشد. همچنین با توجه به آنچه بیان شد، به این نتیجه می رسیم که تعامل ایران در قفقاز نمونه زنده و واقعی این واقعیت است که ایران به هر کدام از دو گانه عملگرایی و ایدئولوژی که قدرت و منافع مورد نظر را تأمین کند، اولویت می بخشد. اگر عملگرایی منافع ایران را برآورده سازد، آن را در اولویت قرار می دهد؛ هر چند که با اصول و ارزشهای ایدئولوژیک در تضاد باشد. همانطور که برای تقویت حضور و نفوذ خود در قفقاز به عملگرایی اولویت می دهد. زیرا ایران با ارمنستان که یک کشور مسیحی است، روابط خوبی دارد. و در عین حال، با آذربایجان با آنکه شیعه است، سرنا سازگاری دارد.



✉ info@rasanahiiis.com

🐦 📺 📘 @rasanahiiis

🌐 www.rasanah-iiis.org

